

از دانشمند محترم:

آقای حائری تهرانی

# تاریخ ادیان

تعریف تاریخ ادیان - دین فطری بشر است  
سیر ادیان در اروپا - سیر ادیان در اسلام - تقسیم  
ادیان - فهرست ادیان بزرگ عالم و پیروان آن - آمار  
کشورهای اسلامی - مرحله اول ، ادیان بدوی  
مرحله دوم ، ادیان فلسفی - مرحله سوم ، ادیان  
آسمانی

## تعریف تاریخ ادیان

همه دوست دارند از چگونگی و حقیقت ادیان ، و علل پیدایش ،  
و سیر تحولاتی که در دوران تاریخ برای آن رخ داده اطلاعاتی بدست آورند  
اینگونه اطلاعات را «تاریخ علم ادیان» گویند .  
یکی از امتیازات برجسته انسانی حس کنجکاو و حقیقت جوئی او است  
که با این غریزه طبیعی میتواند مشکلات خود را حل و پورده از روی اسرار  
و مجهولات خود بردارد .

و مهمترین مجهولات او که خوشبختی و سعادتش را تأمین میکند

جواب ندای خواسته‌های فطری او است که از دوران رشد و بلوغ برای انسان پیش می‌آید؛ که چگونه این‌عالم که ما هم جزئی از آن هستیم بوجود آمده؟ و با چه دست‌قدرت توانائی این‌همه نظم و حساب دقیق در آن بکار برده شده؟

و برای چه این عالم لباس هستی بر تن کرده؟ و خلاصه تکالیف و وظایف مادر این‌عالم چیست؟ و سعادت و خوشبختی ما چگونه تحصیل میشود؟ و بالاخره سرانجام هستی ما بکجا انجامیده؟ آخرش نیستی و فنا است یا هستی و بقا؟ این‌گونه سئوالات و نظائر آن برای انسان پیش می‌آید و حسن کنج‌کاو در صدد تحقیق و بررسی آن بر آمده و تا جواب قانع‌کننده بندای فطرت خود ندهد وجدان او آرام نمی‌گیرد.

این پرسشها را تحقیق و مطالعه در ادیان بما می‌آموزد و تا تاریخ ادیان را کاملاً رسیدگی و تتبع نمائیم نمیتوانیم با بصیرت و بینائی کامل دین صحیح را از غیر صحیح تشخیص داده و از بین آنها دین واقعی و فطری را که خواستارش هستیم بدست آوریم.

### دین فطری بشر است

شاید هیچ‌یک از فطریات اولیه بشر مانند غریزه یعنی اصالت نداشتن باشد، زیرا از هنگامیکه انسان خود را شناخته هم آغوش این خواسته غریزی بوده و هر کس در هر زمان و هر مکان و بهر نژاد و ملتی که هست از اول تاریخ و ماقبل تاریخ که در احوالات او سیر میکنیم می‌بینیم همه و همه برای این عالم یک‌مبداء مقتدری قائل شدند و سر تعظیم بسوی او فرود آوردند و او امر و نواهی او را لازم الطاعة شمرده اند، منتها هر روز

بمیزان رشد فکری خود او را در قالبی مخصوص و بصورتی خاص جلوه  
گر ساختند : یکروز در مقابل چوب و سنگ و گل (بنام بت) و یکروز  
در مقابل ماه و خورشید و ستارگان و یکروز در مقابل آتش و ارواح و یکروز  
هم در مقابل معبود واقعی بزرگ یکتا سر تسلیم فرود آورده .

و قدر مشترك تمام این مراتب در همه ادوار آنست که فطرت  
پاك او خواستار يك حقیقت و معبود واقعی است که این عالم را بوجود  
آورده فقط در مصداق وجود خارجی آن حقیقت در اشتباهند و حکمت  
آمدن پیامبران الهی هم برای روشن شدن همین حقیقت است که مردم را  
بهمان فطرت پاکشان راهنمایی و دعوت کنند و از اشتباهات و خرافات  
او هام نجاتشان دهند چنانچه قرآن کریم هم گویای این مطلب است  
سوره روم: **فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس  
عليها لا تبدل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس  
لا يعلمون .**

رو بدین خالص آر همان دینی که خدا فطرت شما را بر آن  
آفریده آفرینش و فطرت خدا را تغییری نیست. دین راست همان خواسته  
فطرت بشر است ولی بیشتر مردم نمیدانند .

پس فطرت هر کس خواستار يك معبود واقعی است چنانچه  
خداوند در سوره عنكبوت آیه ۶۱ میفرماید **و لمن سئلتهم من خلق  
السموات و الارض ليقولن الله** اگر سؤال شود از فطرت آنها  
که کیست بوجود آورنده این جهانیان و زمین و آسمان همه گویند  
خدای یکتا .

پس بزرگترین نتایج تاریخ ادیان آنست که بتوانیم با یک بررسی و مطالعه دقیق بحقیقت ادیان و سیر و تحولاتی که پیدا کرده با یک نظر بیطرفانه و خالی از تعصب، دین حق و فطری را پیدا کرده و در اثر عمل با آن خوشبختی و سعادت خود را بدست آوریم

### سیر ادیان در اروپا .

بگواهی تمام تاریخ نویسان، تاریخ علم ادیان از علوم بسیار قدیمی بوده است که بشر با آن سروکار داشته زیرا هرودوت قدیمیترین تاریخ نویس اروپا متوفی ۴۸۴ قبل از میلاد که او را ابوالمورخین گویند و همچنین پلوتارک مورخ یونانی قرن اول میلادی در کتابهای تاریخ خود بطور مشروح از خدایان و الهه متعدد یونان و روم و سایر ملل معاصر خود نام برده، حتی دوران ماقبل تاریخ هم که بجای ورق زدن صفحات کتاب؛ باستان شناسان صفحات ضخیم زمین را با کاوشهای خود ورق زدند برجسته ترین آثاری که در مقابر مصر و کتیبه های آشوری و بابلی بدست آوردند از معتقدات مذهبی آنها بوده .

از این اطلاعات دوران تاریخ و ماقبل تاریخ بدست می آید که بشر همیشه بیک مبدئی معتقد بوده و از یک دینی پیروی میکرده و این خود دلیل بارز فطری بودن دین است پس در تمام ادوار؛ تاریخ ادیان مورد نظر دانشمندان بوده در قرن هیجدهم میلادی تحول تازه در تاریخ ادیان پیدا شد زیرا که سیاحان و مبلغین مسیحی از اروپا متوجه ممالک مشرق زمین شده و مذاهب شرقی را مورد توجه قرار دادند و کتابهای مذهبی اقوام مصر و بابل و هند و چین و پارسی را بالسنه اروپائی ترجمه

کردند بالاخص در سال ۱۷۹۹ میلادی که کلیدرمز خواندن کتیبه‌های معابد و مقابر مصری و حل معمای خط میخی و قرائت کتیبه‌های بیستون و آشوری و بابلی که بد اکتشاف لوحه موسوم به (روزتا) است بدست آمد و بخوبی مستشرقین توانستند ادیان و تمدن آن زمان را از آثار باستانی بدست آورند و در همین اواخر اسقف دانشمندی از اهل سوئد بنام (سود بلوم) با اسلویی تازه کتابی را جمع بمذاهب تسدوین و تألیف نمود.

### سیرادیان در اسلام

از زمانیکه پیغمبر اسلام ﷺ مبعوث برسالت گردید و مردم را بدین مقدس اسلام دعوت نمود راه بحث و ملاحظه را بین تمام ادیان با اسلام باز کرد و همه را دعوت بدین اسلام نمود تا بیایند و از روی دلیل و برهان قاطع اسلام بر آنها عرضه بشود و خداوند متعال هم در سوره نحل آیه ۱۲۵ به پیغمبر اگرمش چنین میفرماید ادع الی سبیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن ای پیغمبر مردم را بسوی حق و خداپرستی بحکمت یعنی بادلیل و برهان و بموعظه (پند و اندرز) و یا گفتگوئی که با نرمش کلام و حسن خلق آمیخته باشد دعوت نما.

و در سوره عنکبوت آیه ۴۶ میفرماید: ای پیغمبر جدال نکند با اهل کتاب مگر به نیکوترین وجهی که اگر ایشان بدخوئی هم کنند شما خوشروئی و ملایمت نمائید مگر با آنکسانیکه ستمکارند از ایشان.

این است دستور دین در طرز دعوت با اسلام. بالاخره در بعضی موارد

که پس از احتجاج و مناظره محکوم و مجاب میگردیدند باز از قبول حق و اسلام استنکاف داشتند مانند نصابی نجران. حضرت با آنها مباحله میفرمود، چنانچه خداوند متعال در سوره آل عمران آیه ۶۱ میفرماید:

هر کس مجادله نماید با تو پس از آنکه با دلیل و برهان حقایق اسلام بر آنها ثابت شد پس مباحله نما با آنها باین طریق که بگو بیائید تا حاضر نمائیم پسران و زنان و نزدیکان خود را که بمنزل خود ما باشند و بدرگاه خدا بنالیم و زاری کنیم سپس لعنت خدا را بر آنکس که از بین ما دو دسته دروغگو است بنمائیم. اینهم نمونه بارز دیگری از طرز دعوت اسلام است بدین فطری بشر و آن اسلام است چنانچه قرآن میگوید:

**«ان الدین عند الله الاسلام»** دین حق در نزد خدا فقط دین اسلام است و بس

در کتاب احتجاج طبرسی متوفی ۵۸۸ هجری تمام احتجاجاتی که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا هر یک از ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین با ملل و مذاهب دیگر نموده اند ثبت و ضبط کرده از آن جمله در آن کتاب از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که روزی جمعی از پیشوایان پنج فرقه (یهود، نصاری، ودهری، مانوی، بت پرست) با یکدیگر تباہی کرده خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و با آنحضرت برای حقایق دین خودشان احتجاج کردند، ولی سرانجام با ادله و براهین قاطعی، بیغمبر اکرم حقایق اسلام و منسوخیت و ابطال دین آنانرا ثابت مینمود (۱)

در قرن دوم هجری - ممالک اسلامی از هر طرف توسعه یافته و مسلمین با مردم دنیا سروکار پیدا نمودند بخصوص در عصر خلفای عباسی که بغداد پایتخت اسلامی گردید ، بنا بر نقل جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلام در عصر هرون الرشید کتا بخانه‌ای بنام (بیت الحکمة) در بغداد تأسیس گردید که دارای چهار ملیون کتاب بود و بدستور مأمون دارالترجمه ای بر آن اضافه نمودند تا کتابهای مفید را بالاختصاص در ادیان ومذاهب از زبانهای یونانی ، سریانی ، هندی ، قبطی ، عبری ترجمه نمایند و بدینوسیله درهای علوم تازه بر مسلمین گشوده گردید و با مذاهب عالم آشنا شدند .

و برای ابقاء و اثبات حقایق اسلام علماء مجالس بحث و مناظره تشکیل میدادند و براهین عقلی و نقلی بر اثبات اسلام و منسوخیت ادیان یهود و نصاری اقامه مینمودند و بحث در ادیان ومذاهب در عصر مأمون که پایتخت خود را بمرور خراسان برده بود توسعه کامل یافت چونکه از اطراف و اکناف عالم دانشمندان بزرگ هر دینی را برای بحث و مناظره در دین دعوت مینمود و مجالس بزرگ با شکوهی از اخبار یهود و قسیسین نصاری و مؤبدان زردشتی ، و بر همان هندوشمینهای بودائی تشکیل میداد و حضرت علی بن موسی الرضا (ع) راهم برای مباحثه و اثبات حقایق اسلام دعوت مینمود و احتجاجات و مناظرات مفصلی بین آنحضرت و بزرگان ادیان واقع میشد که بالنتیجه با برهان و استدلال عقلی و نقلی حضرت آنها را محکوم نموده و اثبات حقایق اسلام را مینمود که شرح مفصل آن در کتاب احتجاج طبرسی نوشته شده .

کم کم این علم توسعه یافته تا در قرن چهارم کتابهای زیادی در تاریخ ادیان عبری و فارسی تدوین و تألیف گردید که محمد بن اسحاق در فهرست ابن ندیم به سال ۳۷۷ نام بسیاری از آن کتابها را برده است. (۱)

و از آن بعد علماء اسلام در تاریخ علم ادیان کتابهای نفیسی تألیف نمودند که برای نمونه چند کتاب مهم را یاد آور میشویم

۱- التنبیه والرد علی الاهواء والبدع تألیف ابی الحسین محمد بن احمد شافعی متوفی ۳۷۷.

۲- الفرق بین الفرق تألیف ابو منصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی متوفی ۴۲۹

۳- الملل والنحل تألیف ابو الفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی متوفی ۵۴۸

۴- الفصل فی الملل والاهواء تألیف ابن تنزم اندلسی متوفی ۴۵۶

۵- بیان الادیان فارسی تألیف ابو المعالی محمد الحسینی العلوی به سال ۴۸۵

و در قرن یازدهم هجری کتابی بنام دبستان المذاهب بفارسی در هندوستان بقلم مؤبدشاه تألیف گردیده که بیشتر از دین زردشتی و متصوفه فلاسفه بحث میکند

تقسیم ادیان-

علماء اسلام عقائد ملل و دیانات را به هفتاد و سه فرق تقسیم کرده اند



که یکی را بر حق و بقیه را باطل دانسته اند و در مقابل ملل که بمعنی شریعت ها است . نحل که دین های باطل است گفته اند و این تقسیم بندی بجهت روا ینی است که از پیغمبر اکرم (ص) نقل نموده اند که آنحضرت فرمود : دین یهود بر هفتاد يك فرقه میشود و دین نصاری بر هفتاد و دو فرقه و دین اسلام بر هفتاد و سه فرقه که يك فرقه آن بر حق و بقیه بر باطل است «شرح هفتاد و سه فرقه در کتاب ملل و نحل شهرستانی بیان شده است»

ولی بطور کلی میتوان ادیان و مذاهب عالم را بسه دسته تقسیم کرد :

۱ - مذاهب ساده بدوی که شامل بت پرستان و ستاره پرستان

و معتقدین بارواح است

۲ - مذاهب مبتنی بر مکتب های فلسفی مانند ؛ بودائی . کنفو

سیوس ، هندوئیسم . . .

۳ - مذاهب آسمانی که بر اصول روحانیت و اخلاق معنوی

استوار است مانند یهود ، نصاری ، اسلام .

اکنون بطور مختصر ادیان بزرگ عالم را طبق تقسیم بندی «جوزف گئر»

استاد دانشگاه کالیفرنیا که چندین کتاب در تاریخ ادیان نوشته و دو کتاب او

بنام سرگذشت دینهای بزرگ و حکمت ادیان بفارسی ترجمه شده یاد آور میشود

### در راه اول ادیان

نخستین آئین نوع بشر پرستش مظاهر طبیعت مانند ماه و خورشید

و ستارگان بوده سپس بارواح دیگر طبیعت که صاحب قدرتی فرض

میکردند گرویدند و بغیر ارواح طبیعت ارواح نیاکان خود راهم پرستش

همینموندند تا آنجائیکه برای هر یک از مظاهر طبیعی که پرستش میکردند مجسمه و بتی ساخته و آن بت‌ها را بنام مظهر الهه خود تعظیم و تکریم همینموندند و برای آنها قربانی و دعا و ثنایم نمودند تا بدینوسیله آن خدایان از آنها خشود شده و درهای خیر و برکات را بر ایشان باز و از شر و آفات نجاتشان دهند . بتدریج بعضی از آنها بواسطه تقرب زیادتری بت‌های کوچکی از چوب و سنگ و فلز ساخته و در گردن خود می آویختند و عقیده داشتند مانند طلسم و تعویذ تا زه‌انیکه بگردن آنها باشد از هر آسیب و گزند محفوظ و در های خیر بر ایشان گشوده میشود چون مفاسد این عقائد زیاد شد عده ای از دانایان بزرگ از بین این مردم بدوی ساده که بچنین عقائد سخیف تن در داده بودند برخاسته و گفتند تمام مفاسد و خرابیها ریشه اش همین بت پرستی‌ها است و بر ضد بت پرستی قیام کرده و دین‌های تازه بر اساس دیگر ریختند که بیشتر آن بر مبانی فلسفی بوده و در هند و چین و ژاپن پیرو دارد .

### در حله دوم ادیان

#### دین هندوئیسم

این دین قدیمترین ادیان جهان است و بنا بر عقیده هندوان دین آنان چندین هزار سال از عمرش گذشته آورنده این دین معلوم نیست ولی پیدایش آن در سرزمین هند بوده است و اکنون در سیلان و بالی و سیام و آفریقای جنوبی هم پیروانی دارد پیروان این دین اکنون از سیصد و بیست ملیون متجاوز است ولی دارای فرقه‌های زیادی است که بایکدیگر اختلافات بزرگی دارند کتبه‌های معروف مقدس آنها سه کتاب است وداها ، برهن‌ها ، ادیانیشادها کتبه‌های دیگری هم در حماسه دارند .

## عقیده هندوئیسم

عقیده هندوئیسم آنستکه برای اینجهان روانی است که نه آغاز دارد و نه انجام که او را (برهمن) خوانند بمعنی روان جهان و او را (تریموتری) هم میخوانند: یعنی خدای واحد سه گانه و میگویند از سه وجود تشکیل شده.

۱- برهما: آفریدگار ۲- ویشنو: نگاهبان ۳- شیوا: خراب کننده میگویند برهما نخستین انسانرا بنام (منو) بیافرید آنگاه نخستین زن را بجهان آورد که (شاتاروپا) خوانده شد و تمام بشر از این دو پدیده خلق شده آدمی زادگان جهان با آنکه همه از فرزندان آنها بوده با هم برابر نیستند و بر چهار طبقه میباشند و این چهار طبقه هر دسته از یک قسمتی از (منو) زائیده شد. از سر منو بهترین طبقه که کشیش ها و برهمن ها باشند و از دست او پادشاهان و پهلوانان. و از ران او صنعتگران و پیشه وران و بقیه مردم که طبقه چهارم هستند از پای او بدنیآ آمده اند و هیچکس از فرزندان طبقات پائین حق ندارد شغل و حرفه طبقه بالاتر را انتخاب کند اگر چه دارای لیاقت و فضیلت زیادتری باشد و این قانون را (کست) گویند

اما عقیده دارند پاداش خوبی و بدی داده میشود با این نحو هر کس دارای فضیلت و پاکی است و کار خوب کند و قتیکه چشم از این جهان بست روح او در کالبد نوزادهای کودک طبقه بالاتر میرود تا بطبقه اول که برهمن است برسد و اگر بد کار و بی لیاقت باشد روحش در کالبدهای نوزاد طبقه پائین تر می آید، حتی اگر خوی بد

و زشت و صفات حیوانی داشته باشد در کالبد گزندگان و جانوران و حیوانات در میآید و این عقیده قانون را (کرمه) گویند. یعنی همان تناسخی که بعضی ها قائلند هندوئیسمها با آنکه دارای فرقه های زیادی هستند که با یکدیگر اختلافات اساسی دارند ولی همه آنها را برهمینزم یا هندوئیزم میگویند و همه آنها بیک شکل زندگی میکنند این دین راه و روش معینی برای زندگی به پیروان خود نداده است هر فرقه برای خود پرستشگاه مخصوصی داشته، و هر دسته برای خود عیدها و روزهایی را مقدس میدانند.

دین هندوئی چون پیغمبر معینی نداشته و کتاب خاصی در آن نازل نشده، میتوان گفت آنها درعالم فکر و اندیشه آزادی مطلق دارند ولی درعالم فعل و عمل محدودیت و قواعد سخت. آنکس که معتقد بذات الوهیت است و آنکس که دروادی انکار است و آنکس که عارف است یا عقائد فلسفی دارد یا هر عقیده دینی دیگری، اگر در جامعه هندسبک و روش هند و انرا پیش گیر هندویش گویند.

از اینجا است که گاندی حکیم و پیشوای قرن اخیر میگوید کسی ممکن است ایمان بخدا نداشته باشد ولی باز متدین بدین هندو باشد بشرط آنکه در طلب حقیقت باشد زیرا خدا همان است ولی آنچه را که همه عقیده دارند و آنها را با یکدیگر مشترك کرده یکی تجسم و رجعت آنها در اینعالم است یعنی روان آدمی که از هر کالبد بدر آید در تن دیگری میرود و آن قدر این زندگی مکرر میشود تا سرانجام پرواز جهان که برهما باشد بپیوندد و دیگر رعایت طبقه بندی اجتماعی که (نامش) (کشت) است.

خدایان آنها زیاد است بتی بنام خدا (ایندرا) خدای رعد و برق و پهلوانی و بتی دیگر بنام (راگنی) خدای آتش و خالق اجرام سماوی و بتی بنام (سوریا) خدای آفتاب دارند و در بین آنها بعضی حیوان میپرستند مانند گاو و گوساله و در نزد آنها رودخانه کنگک محترم است ، مردگان خود را برودخانه می اندازند و بیشتر میسوزانند از کشتن حیوانات پرهیز میکنند و حیوانی نمیخورند. ولی در نزد همه آنها (برهما) که روان جهان است ، محترم و او را خدای بزرگ میدانند یکدسته از این هندیها بنام سیکها هستند که دارای پنج علامت مخصوص هستند که آنها را (کوکا) میگویند :

۱- کس : موی بلند و گیس ۲- کونگا : شانه های چوبین در میان مو ۳- کچ : شلوار بلند سفید ۴- کارا : کمر بند آهنی ۵- کاندنا : خنجر کوتاه لب .

### دین بودا

این دین را در ششصدسال قبل از میلاد مسیح در سر زمین هندمردی بنام (سیداتا گاتوما) که بودا نامیده شد (یعنی مرد فرزانه) آورده است . کتابهای مقدس او ( تری پیتا کا ) یعنی سه سبد دانش نام دارد این کتاب دارای سه بخش است یک بخش مر بوط باآین بودا و یک بخش مر بوط باآداب پیشوائی و یک بخش مر بوط باندرزهاست . کتابهای زیادی هم بآن بعداً افزوده شد که نام آنها مورد ندارد .

شماره پیروان این دین یکصد و پنجاه ملیون نفرند که بدو فرقه تقسیم شده یکی ( هانا یاما ) دیگر ( ماها یانا) در کتاب ملل و نحل شهرستانی بودا را شعبه از هند و نیزم شمرده است .

ولی علت پیدایش این دین را میگویند اقتضای اجتماعی زمان آنصر بوده چون سیستم طبقاتی هند و نیزم که مردم را بچهار طبقه تقسیم میکرد و هیچکس را نمیکذاشته طبقه بالاتر برود اگر چه دارای همه گونه فضائل باشد و ضمناً بر تری طلبی و خودخواهی بر همان و تعدد الهه و بتها ایجاب میکرد که حکیمی بنام ( گواتما بودا ) در سرزمین هند بر قواعد فلسفی و اخلاقی دینی را وضع کند و پیروان بیشماری از هند و نیزم باو بگروند طرفداران او در ممالک وسیعه خاور میانه چین، ژاپن؛ سیلان، هند و چین، کره، و مغولستان زیاد است و در هندوستان زادگاه اصلی بودا بودائی کم است.

### عقیده بودائی

بودا برخلاف تعالیم بر اهمه معتقد به طبقات چهارگانه ای که هندیها معتقدند نیست ولی با انتقال روانها و تناسخ ارواح ایشان عقیده دارد و میگوید: هدیه دادن و قربانی کردن برای بر اهمه لازم نیست. و کمال حقیقی در سایه عمل کردن به حقایق اربعه است. و میگوید روح از منزلی بمنزلی و از جسدی بجسدی آنقدر انتقال پیدا میکند تا بمرحله آخر که (نیرواتا) یعنی فنا و کمال حقیقی است برسد. و باین مرحله کسی میرسد که حقایق اربعه را شناخته و بدان عمل نماید و آن چهار رکن عبارتست از:

۱- حقیقت رنج و آلام- را که عبارت از تولد- پیری- بیماری-

مرگ است بشناسد و بداند زندگی سراسر رنج و آلام است.

۲- علت رنج و آلام را بداند که اشتیاق انسان بلذات نفسانی و میل

بزندگی و علاقه بطول عمر است .

۳- ترك رنجها- را بدانند که مر بوط بترك حظوظ نفسانی و دوزی  
از لذائد و شهوات است . .

علم باین سه حقیقت سالک را بر منزل کمال رسانده و از دردها و  
رنجهای جهان فارغ میشود که آن رسیدن بحقیقت چهارم است و آنچه نیمی  
که بوسیله آن سه حقیقت اول را میتوان پیدا کرد هشت چیز است :  
۱- نظر راست ۲- نیت راست ۳- کلام راست ۴- کردار راست ۵-  
معاش راست ۶- سعی و عمل در راه راستی ۷- اندیشه کردن در راه راستی  
۸- تمرکز فکر در راه راستی سالک مؤمن باتمیز این هشت دستور  
بمقصد که نهایت کمال است میرسد .

پنج دستور آن مر بوط به تربیت عملی و اخلاقی و سه دستور یکنوع  
تمرین برای تربیت فکر و اندیشه است بودا میگوید : مرد سالک هم  
در این عالم و هم پس از مرگ ممکن است بمقام کمال واقعی برسد تمرکز  
قوای فکری در نزد بودائیان که در نتیجه رعایت هشت مبدء فوق پیدا  
میشود شاید همان مراقبه و تفکری است که در نزد متصوفه اسلام مرحله فنا  
است و جو کیان هند هم این عمل تمرکز فکر و قوارا بنام (سامادی) که عبارت  
از توجه تام و تمام فکر بر روی یک نقطه یا یک موضوع است بعدیکه مغز بکلی  
در آن نقطه مستغرق شده و دیگر از خیال اثری برایش باقی نمی ماند .

بعد از مرگ بودا پیروان او بر دو دسته تقسیم شده یک فرقه راهینا  
یا نا که بودائی جنوبی هستند و در سیام و برما و هندوچین سکنی دارند و یک  
فرقه را میهایانا که بودائی شمالی هستند و در تبت و چین و ژاپن سکنی دارند

بوجود آورد.

و اختلاف این دو مکتب در آنست که فرقه هینایانا معتقدند که انسان باید خود کوشش کند تا نفس انفرادی خود را بمرتبه حقیقت و کمال برساند که بودائیت فردیش نامند و کاری برای اصلاح دیگر نفوس بشر نداشته باشند.

ولی فرقه مهاییانا میگویند: انسان علاوه بر آنکه باید بکمال نفسانی خود پردازد باید برای تربیت و اصلاح اجتماع و دیگران هم کوشش کند و این دستها بودائیت عامه می نامند و در نظر آنها هر کس بدرجه مهاییانا برسد مانند قدیسین نصاری و اولیاء صوفیه و الهه هنود بسیار محترم و مقدس و صاحب کرامات می باشد البته بین این دو مکتب هم اختلافات زیادی هست که هر دست از آنها يك تشکیلات و يك نوع عبادات و معابد مختلفه دارند ولی در نزد همه مواد همتگان و اوزارکان اربعه معتبر است

### آئین کنفوسیوس

در سال ۴۷۹ تا ۵۵۱ قبل از میلاد مسیح حکیمی بنام کونگ فوتسه که بعدها بنام کنفوسیوس یعنی حکیم و فیلسوف نامیده شد در سرزمین چین که دارای مردمانی طبیعت پرست که در مقابل ماه و خورشید باد: روشنائی، کوه، رودخانه و هر يك از مظاهر طبیعت سر تعظیم فرود می آوردند طلوع کرد و در سن ۲۲ سالگی بتعلیم و تربیت شاگردان مشغول شد و مردم از علم و دانش او بهره مند شدند تا در سن ۳۴ سالگی شاگردان او بسه هزار نفر رسید این فیلسوف شهرت زیادی پیدا کرد در سن ۵۲ سالگی مردم شهر جوتک تو نزد او آمده گفتند ای کنفوسیوس



چون همه بفضل و خرد تو آگاهیم میخواستیم تو رئیس شهر ما باشی کنفوسیوس دعوت مردم این شهر را پذیرفت و در مدت یکسال توانست همه مردمان آن شهر را خوشبخت کند. از او سؤال کردند چگونه توانستی در مدت یکسال مردم این شهر را خوشبخت و سعادتمند نمائی گفت چون نیکان را پاداش نیکوداده و بدکاران را دجازات کردم. و خردمندان را برای اصلاح امور برگزیدم و از آنها خواستم تا مردم را هم چون فرزندان خویش راهنمائی کنند و چون مردم بیرونیکی و خرد گردیدند خوشبخت شدند شاگردان کنفوسیوس هم براه افتادند تا مانند استاد خود فرمانروائی کنند تا خواهان سعادت و خوشبختی مردم شوند.

کنفوسیوس میگفت: نیکوئی عبادات زاهدان گوشه گیر نیست بلکه نیکوئی آنستکه انسان در میان مردم بکار خیر مشغول باشد و مردم همسایگان او هستند.

کنفوسیوس میگفت: هیچوقت برای تحصیل دانش دیر نیست اما بهتر آنستکه مردم در سالهای جوانی بدین کار مشغول شوند. کنفوسیوس همیشه مردم را اندرزمیداد و مردم را براه و رسم زندگانی انسان فرزانه دعوت میکرد و ب مردم موسیقی و شعر و عشق با آموخت و میگفت بالا ترین عشق، عشق بکار و کوشش است میگفت: کار را برای لذت بردن از نفس کار باید کرد نه با امید گرفتن پاداش. و نهایت عشق بکار همین است: میگفت باید نیکوئی کرد و پاداشی نه در این دنیا و نه در آن دنیا آرزو داشت بلکه باید از خود نیکوئی لذت برد و شادمان شد و عشق بچنین زندگی خود پاداش است میگفت: عشق همه چیز را زیبا

میکند آرامش و صفا بر قرار میسازد میگفت : ای فرزندان چون مهر بخطر افتاد بجنگ ستیزه متوسل نشوید و دلی که با مهر پیوندد گناه نمیتواند بکند. این دستورات اخلاقی را آئین کنفوسیوس میگویند کنفوسیوس پنج دستور مهم جاویدانی داشت ۱- نیکخواهی ، تا تنها بسود مردم کار کنی ۲- نیکو کاری . تا آنچه را که بخود نمی پسندی برای دیگران روا مداری ۳ - مردم داری ، تا ادب را در بر خورد با مردم فراموش نکنی ۴- خردتا تنهادنش و درست اندیشی را راهنمای خودسازی ۵- درستی تا در هر چه میکنی درستی و صداقت را نگاه داری زیرا بی آن جهان استوار نخواهد ماند . کتابهای مقدس او « انالکتز » و « پنج کینگ » است کنفوسیوس معلم دین نبود تعلیم های او فقط برای آموختن راه و رسم یک زندگی شایسته بود شماره پیروان او سیصد میلیون تا چهار صد میلیون است ولی پیروان کنفوسیوس اجازه دارند بهر عقیده وایمان دیگری بگردند لذا میلیونها از آنها را میتوان یافت که عقیده به بودا یا مسیح یا اسلام داشته باشند و اکنون چهل میلیون مسلمان در چین زندگی میکنند این مختصری از عقائد سه مذهب بزرگ فلسفی در خاور میانه است و مرحله سوم که ادیان آسمانی است بعداً بیان خواهم کرد و اکنون آهاری را که دائرة المعارف بریتانیکا در سال ۱۹۵۸ از کلیه جمعیت دنیا و پیروان مذاهب تهیه نموده و در سالنامه جهان سال ۱۹۵۹ می-لا دی در صفحه ۷۱۵ ترجمه شده و جمعیت مسلمانان پنج قاره جهان را که در کشورهای بزرگ ساکن بوده نقل از سالنامه دنیا بسال ۱۹۴۲ از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم .

## جمعیت دنیا و پیروان ادیان مختلف در سال ۱۹۵۷ میلادی

نقل از سالنامه جهان بسال ۱۹۵۹ میلادی صفحه ۷۱۵

ترجمه کتاب سال ۱۹۵۸ دائرة المعارف البریتانیکا

| اروپا     | امریکای جنوبی | امریکای شمالی | دین               |
|-----------|---------------|---------------|-------------------|
| ۴۵۹۷۱۲۸۱۴ | ۱۱۶۷۸۶۴۶۲     | ۱۶۶۸۸۲۳۳۳     | مجموع مسیحیان     |
| ۲۳۳۶۹۳۰۰۰ | ۱۱۴۲۶۱۰۰۰     | ۹۴۳۲۴۰۰۰      | کاتولیک           |
| ۱۱۲۴۴۷۶۶۹ | --            | ۲۷۷۰۹۲۶       | ارتودکس           |
| ۱۱۳۵۷۲۱۴۵ | ۲۵۲۵۴۶۲       | ۶۹۷۸۷۴۰۷      | پروتستان          |
| ۱۲۴۲۵۳۰۰  | ۳۴۲۶۱۵        | ۳۳۰۰۰         | مسلمین            |
| ۳۴۶۱۴۵۰   | ۶۳۰۳۶۲        | ۵۴۳۳۰۰۰       | یهودیان           |
| --        | --            | --            | زردشتیها          |
| ۱۲۰۰۰     | ۱۷۰۰۰         | ۱۵۰۰۰         | شنتو (ژاپن)       |
| ۵۰۰۰۰     | ۹۵۰۰۰         | ۸۶۰۰۰         | تاوئیها (چین)     |
| ۱۰۰۰۰     | ۱۳۵۰۰۰        | ۱۶۵۰۰۰        | کنفوسیوس          |
| --        | ۲۷۵۰۰۰        | ۱۰۰۰۰         | بودائیها          |
| ۸۷۵۹۷۴۳۶  | ۱۰۰۰۰۰۰       | ۵۰۰۰۰         | هندوان            |
| ۵۶۳۲۶۹۰۰۰ | ۴۳۰۴۵۶۱       | ۶۱۹۷۸۶۶۷      | پیروان مذاهب قدیم |
|           | ۱۲۳۵۸۶۰۰۰     | ۲۳۴۶۵۳۰۰۰     | دیگران            |
|           |               |               | جمع کل            |

| جمع        | اقیانوسیه | افریقا    | آسیا       |
|------------|-----------|-----------|------------|
| ۸۳۵۵۶۴۵۱۲  | ۱۱۱۷۸۹۲۶  | ۳۲۰۵۳۴۸۳  | ۴۸۹۵۰۵۱۴   |
| ۴۹۶۵۱۲۰۰۰  | ۲۷۵۰۰۰۰   | ۱۹۶۵۴۰۰۰  | ۳۱۸۳۰۰۰۰   |
| ۱۲۹۱۹۲۷۵۰۰ | —         | ۵۸۶۸۰۸۹   | ۸۱۰۶۰۷۱    |
| ۲۰۹۸۵۶۷۸۷  | ۸۴۲۸۹۳۶   | ۶۵۳۱۳۹۴   | ۹۰۱۴۴۴۳    |
| ۴۲۰۶۰۶۶۹۸  | ۱۰۲۰۰۰    | ۸۶۱۷۸۸۵۳  | ۳۲۱۵۲۴۹۳۰  |
| ۱۱۹۳۶۸۷۱   | ۵۸۰۱۳     | ۶۰۷۵۰     | ۱۷۵۳۲۹۶    |
| ۱۴۰۰۰۰     | —         | —         | ۱۴۰۰۰۰     |
| ۳۰۰۰۰۰۰    | —         | —         | ۳۰۰۰۰۰۰    |
| ۵۰۰۰۵۳۲۰۰  | ۸۰۰۰      | —         | ۵۰۰۰۰۰۰    |
| ۳۰۰۲۹۰۵۰۰  | ۵۲۰۰۰     | ۱۲۰۰      | ۳۰۰۰۰۰۰    |
| ۱۵۰۰۰۰۰۰   | —         | ۷۶۰۰      | ۱۵۰۰۰۰۰۰   |
| ۳۲۲۳۳۷۲۸۶  | ۱۰۰۰۰۰    | —         | ۳۲۱۶۵۲۲۸۶  |
| ۹۲۱۱۵۰۰۰۰  | ۱۰۰۰۰۰    | ۳۰۰۰۰۰    | ۴۵۰۰۰۰۰    |
| ۴۰۲۴۵۰۹۰۳  | ۲۶۹۹۰۵۱   | ۷۵۰۰۰۰۰   | ۲۲۴۲۲۹۷۴   |
| ۲۶۴۴۴۰۰۰۰  | ۱۴۲۹۸۰۰۰  | ۲۱۶۴۸۲۱۴  | ۳۸۷۱۳۲۱    |
|            |           | ۲۱۵۷۹۰۰۰۰ | ۱۴۹۳۲۴۴۰۰۰ |

شوروش کاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی